

غزل شماره ۲۵

شکفته شد گل حمر او گشت ببل مست
صلای سرخوشی، ای صوفیانِ باده پرست

اساسِ توبه که در محکمی چو سنگ نمود
بین که جام زجاجی چه طرفه اش بشکست

یار باده که در بارگاه استعنا
چه پاسبان و چه سلطان، چه هوشیار و چه مست

از این رباط دودر، چون ضرورت است رحیل
رواق و طاقِ معیشت، چه سر بلند و چه پست

مقام عیش میسر نمی شود بی رنج
بلی به حکم بلا بسته اند عهد است

به هست و نیست مرنجان ضمیر و خوش می باش
که نیستی است سرانجام هر کمال که هست

شکوه آصفی و اسب باد و منطق طیر
به باد رفت و از او خواجه بیچ طرف نبست

به بال و پر مرو از ره که تیر پرتابی
هو اگر رفت زمانی، ولی به خاک نشست

زبانِ گلکِ تو حافظ چه شکر آن گوید
که گفته تحت می برند دست به دست

تفسیر فال

به سادگی و بدون تلاش نمی‌توان به مقام‌های بلند و مادیات دست یافت. برای رسیدن به این اهداف، همه جوانب زندگی‌ات باید در حد کمال و بهترین وضعیت ممکن باشد. این بدین معناست که داشتن باطن نیکو، انجام کارهای حلال، هوشیاری در تصمیم‌گیری‌ها و تقوی در رفتارها از ضروریات است. تنها در این صورت است که می‌توانی به آرزوهایت نائل شوی و به هر مقام و منزلتی که دست یابی، شایسته است سر تعظیم در مقابل

خداوند بگذاری. اهمیت این موضوع بر هیچ کس پوشیده نیست؛ چراکه عدم توجه به اصول اخلاقی و معنوی می‌تواند منجر به از دست رفتن همه چیزهایی شود که با زحمت بدست آورده‌ای. بنابراین، باید همواره مراقب بود تا نه تنها موفقیت‌های مادی بلکه ارزش‌های معنوی را نیز حفظ کرد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)